

## از بیلدبرگ به گوگلبرگ:

# نخبگان جهانی در راه ایجاد اردوگاههای الکترونیکی

<http://www.fondsk.ru/news/2015/06/16/ot-bilderberga-k-gulagbergu-globalnaja-elita-stroit-elektronnyj-konclager-33849.html>

۱ سرطان ۱۳۹۴

۶۳- مین اجلاس سالانه باشگاه بیلدبرگ از روز ۱۱ تا ۱۴ ماه ژوئن سال جاری در محلی بنام تلفس در بخش اطریشی آلپ در هتل اینتر آلپن برگزار گردید. ویژگی این نشست عبارت از آن بود، که بلافاصله پس از دیدار سران کشورهای «گروه هفت» (۷- ۸ ژوئن)، و پنجمین کنگره رهبران ادیان جهانی و سنتی در آستانه (۱۰- ۱۱ ژوئن) برگزار شد. تنها یک مسئله و آن هم مسئله کلیدی مطالعه مکانیزمهای مدیریت جهان، در سطوح مختلف نمایندگی و از زوایای دید متفاوت مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

اگر توجه اجلاس «گروه هفت» روی مسئله مبارزه با تروریسم و «دولت اسلامی»، تنظیم بازارهای مالی، تقویت سازمان تجارت جهانی، ایجاد همکاری ترانس آتلانتیکی بین آمریکا و اتحادیه اروپا، و همچنین، مبارزه با فرار از مالیات، بر علیه ویروس ابولا و «زیست محیطی» پاک جهانی متمرکز شده بود، نشست جهانی آستانه با علامت «اخلاق جهانی» تشکیل گردید. جالب توجه آن است که متن بیانیه پایانی دیدار آستانه را **ژان لوئی توران**، رئیس شورای پاپی گفتگوی بین ادیان خواند نه بان کی مون، دبیر کل سازمان ملل متحد که در این نشست حضور نداشت و نه **لامبرتو زانر**، دبیر کل شورای اتحادیه اروپا.

با این حال، راه بحث و گفتگو پیرامون همه این مسائل باز است. در تلفس مکانیزمهای واقعی کنترل در پشت درهای بسته مورد بحث قرار گرفت. امسال هم گروه بیلدبرگ با بستن همه راههای منتهی به اینتر آلپن، کنترل پستهای بازرسی بواسطه نظامیان، نصب جدیدترین تجهیزات برای ممانعت از ارتباطات موبایلی در اطراف اجلاس برخلاف تصمیم کمیسیون اروپا بتاريخ ۵/۱۹۹۹/اس، که استفاده از این نوع فناوری را در کشورهای عضو اتحادیه اروپا غیرقانونی اعلام نموده، تدابیر مخصوصا شدید برای ممانعت از نشت هر گونه اطلاعات اتخاذ

نمود. پلیس اعلام کرد، که هر کسی که در نوار امنیتی دستگیر شود، به پرداخت ۵۰۰ یورو جریمه یا دو هفته زندان محکوم خواهد شد.

در نتیجه، هیچ اطلاعاتی در مورد اجلاس بیلدبرگ، بجز لیست شرکت کنندگان و عنوان موضوعات مورد بحث به بیرون درز نکرد، اما همین لیست از مسائل زیادی خبر می دهد. بهمین سبب، مسائل واقعا مورد بحث در چنین نشستهایی هیچگاه شفاف نخواهند بود. با اینکه خبرنگاران رسانه های جمعی بزرگ در تلفس حضور داشتند، در رابطه با این اجلاس، آنها بجز سکوت، هیچ کار دیگری انجام ندادند. در میان آنها، **اندرو کوئن**، روزنامه نگار و ناشر نیشنال پُست کانادایی، **جون میکلتوئت**، سردبیر روزنامه بلومبرگ نیوز، (این روزنامه، هر روز ۵۰۰۰ مقاله منتشر می کند و دارای ۱۵۰ دفتر نمایندگی در جهان است)، **زانی مینتون بدوس**، سردبیر اکونومیست، عضو شورای اداری بنیاد کارنگی برای صلح جهانی و کار چاق کن سابق بانکسترها (بر وزن کانگسترها. م.) در صندوق بین المللی پول حضور داشتند.

**مارتین ولف**، عضو شورای اداری بنیاد کارنگی برای صلح بین المللی، مفسر ارشد روزنامه فاینشال تایمز، مدافع سرسخت بانکهای مرکزی، **رونا فرهد**، مدیر سابق این روزنامه، رئیس کنونی **بی بی سی تراست** و یکی از مدیران غول بانکی **اچ اس بی سی** نیز در این اجلاس حضور داشتند. جالب است هنگامیکه **فرهد** به ریاست بی بی سی تراست گمارده شد، برخی از سهامداران این بانک به اتهام کمک به پولشویی برای تروریستها و مافیای مواد مخدر مکزیکی، تعقیب قضائی او را خواستار شدند.

راز پوشیده ای نیست، که با توجه به موقعیت کاملا انحصاری رسانه های جمعی آمریکا و انگلیس، و همچنین، رابطه بسیار مستحکم رهبران آنها با ساختارهای دولتی، در آنها شدیدترین سانسورها که متضمن تعامل کامل و بی چون چرا بوده و تنها در یک محدوده بسیار تنگ موضع سیاسی و در چهارچوب دقیق وظایف تعیین شده کار می کنند، بکار بسته می شود. بنا بر این، حضور کنشگران نامبرده در اجلاس، فقط بمعنی آن است، که ایده ای که در آنجا مورد بحث بررسی قرار گرفته، بمنظور ساختن افکار عمومی مطلوب و هدایت آن در مجاری مقتضی، بتدریج و در زمانهای لازم در مطبوعات آنها عرضه خواهد شد.

با این همه، صرفنظر از بسته بودن گروه بیلدبرگ، لیست شرکت کنندگان و موضوعات تعیین شده، امکان تشخیص روند اصلی مباحث را فراهم می سازد. در میان ۱۵ مورد «برنامه رسمی» - **استراتژی اروپا، جهانی سازی، یونان، ایران، خاورمیانه، ناتو، روسیه، تروریسم،**

انگلستان (یا انگل - ستان. م.)، آمریکا، انتخابات در آمریکا، خطرات استفاده از تسلیحات شیمیایی قید شده بود. با این حال، با قضاوت بر مبنای لیست شرکت کنندگان می توان گفت: توجه اصلی روی موضوعاتی مانند « هوش مصنوعی»، «امنیت سایبری» و «مشکلات اقتصادی موجود» متمرکز شده بود.

مثل همیشه، هنری کیسینجر، دبیر کل ناتو، سران بانکها و شرکتهای بزرگ در اجلاس حاضر بودند (۱). گذشته از اینها، حضور سه نماینده کمپانی گوگل، به ترتیب: اریک شمیدت، رئیس، دمیس هاسابیس، نایب رئیس و رجینا دوگان، یکی از اعضای رهبری گوگل در نشست بیش از همه جلب توجه می کرد. راه نفر سوم چنان درخشان است که یک بار دیگر نشان می دهد که کمپانی گوگل رابطه بسیار تنگاتنگی با مجتمع صنایع نظامی آمریکا دارد. از اواسط سال ۲۰۰۹ تا ماه مارس سال ۲۰۱۲ دوگان، ریاست سازمان پژوهش طرحهای دفاعی پیشرفته پنتاگون را بر عهده داشت. این سازمان مسئول مطالعه و حمایت از جدیدترین فناوریها برای استفاده در نیروهای مسلح آمریکا می باشد. در حال حاضر او ریاست «طرحهای ویژه» کمپانی موتوروللا موبایلیتی، وابسته به گوگل را بر عهده دارد.

رجینا دوگان بعنوان هوادار پیگیر ایجاد نظام مراقبت عمومی مشهور است. از میان بهترین طرحهای پیشنهادی او می توان از وصله الکترونیکی بشکل چسب زخم نام برد، که دارای یک مدار چاپ شده با یک آنتن و یک جفت سنسور بوده و بمثابه بخشی از مکانیزم شناسائی بیومتریکی عمل می کند. چنین وصله ساخت کمپانی ام سی ۱۰، شریک کمپانی موتوروللا موبایلیتی را رجینا دوگان روی بازوی خود دارد. روش شناسایی بیومتریکی هویت، میکرو چیپ موجود در «قرص» الکترونیکی است که در صورت نفوذ به بدن، باندازه ۱۸ بایت سیگنال رادیویی مشابه دستگاه الکترونیکی موج نگار مغز پخش می کند. این میکرو چیپ هنگام تماس به تلفن یا کامپیوتر، بعنوان کلید کار می کند. اداره نظارت بهداشتی بر کیفیت محصولات غذایی و دارویی آمریکا به این قرصها گواهی تأیید داده و کمپانی پروتئوس کالیفورنیا آنها را تولید می کند. پژوهشگران تأیید می کنند، که هر انسانی می تواند روزانه ۳۰ عدد از این قرصها را بدون درد تا آخر عمر بخورد.

این قرصها یکی از اساسی ترین نتایج تحقیقات سازمان پژوهش طرحهای دفاعی پیشرفته پنتاگون است، که نه تنها به ایجاد فناوری میکروسیستم و استراتژیک (فناوریهای ارتباطی، ابزار حراست از شبکه های اطلاعاتی، جنگهای رادیوالکترونیکی، استحکام سامانه در مقابل

حملات سایبری)، حتی بیولوژیکی: تحقیقات در عرصه بیولوژی مهندسی، از جمله مهندسی ژنتیک و جنبه های کاربردی علوم اعصاب نیز مشغول است.

این آژانس که به همراه ناسا (سازمان فضائی آمریکا. م.) به اجرای پروژه پیش بینی خلسه انسان، کار دانشگاه فنی واقع در وادی سیلیکون در مرکز تحقیقات ناسا مشغول است، به نوبه خود با شرکت گوگل رابطه فشرده ای دارد. هدف از این تحقیقات در وهله نخست، ایجاد فنآوری مدیریت شعور انسانی و ساختن «شعور مصنوعی» می باشد. لازم به یادآوریست، که اریک شمیدت، رئیس گوگل با بیان اینکه زندگی خصوص به تاریخ پیوست و او فرارویاندن گوگل به «برادر بزرگ» واقعی را برنامه ریزی می کند، هیچوقت تلاشهای خود برای کنترل عمومی را پنهان نمی کند. بدین ترتیب، حضور هیئت نمایندگی این شرکت در تلفس و مذاکره پیرامون «شعور مصنوعی» و همچنین، «امنیت سایبری» گواه آن هم هست که نخبگان جهانی بطور جدی بدنبال اجرای برنامه نوسازی کلی جامعه و انسان بر مبنای ایدئولوژی ترابشریت، در کوتاه ترین مدت ممکن، با محدودیتهای شدید و دست آخر، لغو حق زندگی خصوصی هستند.

با این حساب، بیلدربرگیها زندگی خصوصی را طور دیگری توضیح می دهد. تا جائیکه مارتین ولف زمانیکه جنبه مخفی دیدار آنها را بوی گوشزد کردند، اظهار داشت که این تظاهر «زندگی خصوصی» است و این تصور که چنین دیدارهایی می تواند بصورت خصوصی برگزار شود، بمعنی نمونه اساسی «ایده تمامیت خواه» است.

اجلاس سال ۲۰۱۳ نشان داد، که این «باشگاه» به دوره تحولات جدی وارد شده است. بیلدربرگ بعد از وحدت با شرکت گوگل، عملاً به گوگلبرگ تغییر یافت و توجه خود را روی جنگهای روانی و کنترل فرد متمرکز نمود.

گوگل نه تنها نخستین رهگذر در عرصه نفوذ به اعماق شعور انسانی بحساب می آید، بلکه، این کمپانی احداث شهرهای خصوصی خود را برنامه ریزی می کند. **لاری پیج**، مدیر دیگر این شرکت که ایجاد آزمایشی مناطق مستقل از دولتهای ملی و اداره آنها توسط موازین مسکن اجتماعی را در نظر دارد، این موضوع را علناً تأیید نمود. وعده کرده اند این طرحها را به ابزار جدید تغییر جهان- مدیریت مشارکتی مبتنی بر موازین تمامیت خواه و نظارت بر عموم تبدیل نمایند. در وهله اول، سخن از کشورهای توسعه یافته، یا به تعبیر سران گوگل، کشورهایی می رود که در آنها دولتهای «درنده»، مانع کسب و کار شهروندان خود می شوند و آنها را به دامن فقر پرتاب می کنند. گوگل ضمن اعلام وعده تأمین حق مالکیت فقرا و حاکمیت قانون، از

اینگونه دولتها می خواهد بطور داوطلبانه از قدرت کناره گیری نمایند. بهر حال، در هندوراس قانون ایجاد مناطق مستقل، که به امتناع از حق شهروندی و تجاری متمرکز و وارد کردن نظام حقوقی منتخب خود مجازند، تصویب شده است. السالوادور و کوستاریکا نیز قصد ایجاد چنین مناطقی را دارند.

گذشته از این همه، پول الکترونیکی بمثابه ابزار اصلی نظارت الکترونیکی بر عموم شمرده می شود. طی سالهای اخیر، محافل بانکی پیرامون ایده کاهش شدید و حتی لغو کامل پول نقد بحث و گفتگو می کنند. در سال ۲۰۱۴ **کنت روگوف** استاد دانشگاه هاروارد، بمنظور متوقف ساختن «فرار از مالیات و فعالیت های غیر قانونی»، و همچنین، برای ایجاد مانع در مقابل افرادی که در هنگام سقوط نرخ بهره بانکی تا نزدیک صفر، پول خودشان را از بانکها بیرون می کشند و حسابشان را می بندند، انحلال ارز فیزیکی را خواستار شد. همانطور که **جیمس لیوس**، اقتصاددان اسبق بانک انگلیس می گوید، «فقط از طریق وادار کردن عموم به استفاده صرف از پول الکترونیکی، که در حساب افراد در بانکهای دارای مجوز دولتی... زیر نظر و حتی تحت نظارت مستقیم دولت موجود است، می توان جامعه غیرنقدی را متحقق ساخت». در همین اواخر، **ویلم بویتر**، اقتصاددان ارشد سیتی گروپ، «بمنظور حل مشکلات بانکهای مرکزی جهانی مرتبط با نرخ بهره منفی»، لغو کامل پول نقد را پیش کشید.

بطوریکه کارشناسان تأیید می کنند، با عطف توجه به ترکیب شرکت کنندگان و این که «مشکلات اقتصادی موجود» یکی از موضوعات اجلاس اخیر بیلدربرگ بود، گمان می رود همین مسئله پول نقد در مرکز توجه قرار گرفته باشد. طبیعی است هیچ کس در این باره نمی نویسد که در آنجا چه تصمیماتی اتخاذ شده است. از آنجائی که چنین مسائل مورد بحث محرمانه قرار می گیرد، **مارتین آرمسترانگ**، تنها کسی بود که در باره جلسه محرمانه نمایندگان بانک مرکزی اروپا، بانک فدرال رزرو، بانکهای مرکزی سوئیس و دانمارک در آخر ماه مه سال جاری در لندن نوشت. او توانست معین کند که همین **کنت روگوف** و **ویلم بویتر** «با هدف ممانعت از خرید و فروش هر چیز بدون اجازه دولت»، برای دفاع از نظریه لغو همه انواع پول نقد در برابر بانکهای مرکزی آماده می شوند.

هنوز که سیاستمداران و شبه نظامیان نخبه جهانی با برافروختن آتش جنگهای داخلی کشورهای مختلف و تمام یک منطقه را براحتی در منجلاب هرج و مرج گرفتار می سازند، هنوز که بشریت را برای پیکار با ویروسها و بیماریهای واگیر بسیج می کنند، خدمات اختراعی همان

نخبگان، سامانه واحد «دولتهای الکترونیکی» مبتنی بر پایگاه الکترونیکی اطلاعات عمومی در باره شهروندان سراسر جهان را گام به گام برقرار می کند. هر شهروندی باید شناسه هویت فردی ثابت- شماره شخصی طبق معیارهای بین المللی داشته باشد. اجرای شناسه هویت واحد منحصر بفرد امکان ایجاد پایگاه واحد توزیع داده ها را فراهم می سازد، که در شرایط واقعی امروزی، اطلاعات مربوط به عرصه های مختلف زندگی انسان، حتی محرمانه ترین بخش آن را جمع آوری، نگهداری و بطور خودکار تجزیه و تحلیل خواهد کرد. زندگی انسان باید بطور شفاف در برابر دیدگان ساختارهای اداری قرار گیرد (۲).

شماره شخصی بایستی در کارت الکترونیکی فراگیر، محتوی همه اطلاعات مربوط به فرد بشکل الکترونیکی، که در حکم مجموعه اسناد، شامل پاسپورت، گواهی نامه رانندگی، مدارک بازنشستگی، بیمه، پزشکی، وسیله پرداخت، مدرک سفر و غیره خواهد بود، گنجانده شود. کارت الکترونیکی کلید همه اطلاعات خواهد بود و با تحمیل میکروچیپ به انسان، او زیر نظارت مستقیم مدیران جهانی قرار می گیرد.

بدین ترتیب، بانکها، سازمانهای امنیتی، پنتاگون، گوگل در ارتباط تنگاتنگ با همدیگر کار می کنند. آنها اردوگاههای الکترونیکی مرگ می سازند که در آنها جایی برای دولت، برای استقلال ملی، برای آزادی شخصی وجود ندارد. با هر آنچه که آنها با آن سر و کار دارند، تنها وسیله آنهاست برای رسیدن به هدف اصلی- قدرت مطلق.

### ضمایم از بیلدربرگ به گوگلبِرج...

طی ماه میلادی جاری سران غرب دو اجلاس برگزار کردند: نشست کشورهای موسوم به «جی ۷» و تجمع سالانه اعضای باشگاه بیلدربرگ. هر دوی این تجمعات با شرکت یک اقلیت بغایت ناچیز در جامعه جهانی برگزار گردید و در خفا و دور از چشمان همه، جهان آینده را مورد بحث و گفتگو قرار دادند؛ برای هر تک تک انسانها تصمیماتی گرفتند؛ برای همه کشورها، برای میهن من و شما سرنوشت تعیین نمودند؛ برای من و شما، برای همه بشریت جهان تکلیف تعیین کردند؛ زندگی، فکر، شعور من و شما را اگر تاکنون مدیریت نکرده باشند، مصمم اند مدیریت کنند... با این حال، اما فریاد اعتراض کمتر کسی بلند شد. چرا؟

بهمین سبب، سؤالی که همواره ذهن مرا مشغول داشته، بار دیگر در مقابل همه احزاب، سازمانها، شخصیتها و هر کسی که خود را مترقی، انقلابی، صلحدوست، آزادیخواه، عدالت طلب تعریف می کند، طرح می کنم. بدین نحو:

آیا کمیته صهیون، کمیته سیصد، دولت مخفی جهانی، باشگاه بیلدربرگ و عوامل اجرایی آنها- رژیمهای امپریالیستی- فاشیستی غرب بسردمداری رژیم تروریستی آمریکا، ارتش تروریستی ناتو و قریب نهصد پایگاه نظامی آمریکا در اکثریت کشورهای جهان (بطور متوسط، بیش از چهار پایگاه نظامی در هر کشور)، افسانه و ساخته و پرداخته ذهن «شبه انقلابیون» است یا واقعیت؟

البته، این پرسش دو پاسخ بیشتر ندارد: یا افسانه هستند یا واقعیت.

اگر افسانه هستند که هیچ حساب ما با منکران واقعیات روشن است.

اگر واقعیات آشکاری هستند، خوب، باید در مورد نقش و عملکرد آنها، تأثیر تصمیمات و اقدامات آنها در حوادث بشدت ناگوار جهانی، در همه نگون بختی های بشریت جهان، و همچنین، علت سکوت تقریباً عمومی در مقابل این عوامل فرومایه شر جهانی و تیره بختی ساکنان گیتی، این عاملین و مجریان همه جنگها و خونریزیها، تجاوزات و غارتگریها، توضیح داده شود.

گمان می رود بدون تمرکز توجه روی این منشاء و مبداء همه شرارتهای و مفاسد در مقیاس جهانی، بدون تعریف روشن از ماهیت آنها، هر گونه صحبت از مبارزه علیه امپریالیسم و برای استقلال ملی، ترقیخواهی و عدالت طلبی، از آزادیخواهی و انساندوستی، از سیاست و اقتصاد پویا، از فرهنگ و خلاق عالی در جامعه آزاد و مستقل چیزی جز باد هوا نیست.

از علاقمندان به سرنوشت خود، میهن و همه بشریت انتظار می رود بدون تئوری بافی، صریح و سر راست پاسخی درخور به پرسش فوق را بدهند.

۱- پیوند لیست شرکت کنندگان در اجلاس گروه بیلدربرگ:

<http://www.nouvelordremondial.cc/2015/06/08/liste-officielle-des-participants-a-la-conference-de-2015-du-groupe-bilderberg/>

۲- پیوند دو ویدئو در باره گروه بیلدربرگ

[https://www.youtube.com/watch?v=KYWx\\_cFzgro](https://www.youtube.com/watch?v=KYWx_cFzgro)

<https://www.youtube.com/watch?v=0dO7NKa6a6s>